



۵۴



قدیمی محله مقدم بیش از ۶۰ سال از عمرش را پای هیئت‌ها گذاشته است

حاج یوسف میان‌دار

عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

داستان زوج محله امام رضا (ع) که از زمان جنگ تحمیلی سوم، در قلب اجتماعات حضور داشته‌اند

حضور بی‌وقفه در جبهه خیابان



شیب نامناسب و ناهمواری سنگ‌فرش خیابان امام‌رضا ۵ به معضلی برای زائران و مجاوران تبدیل شده است
۳ حادثه‌ساز بودن یک معبر پرتردد

خاطره نوجوان محله عنصری از لحظه فراموش‌نشدنی مداحی‌اش
۷ وقتی پرچم حرم در میان نوحه آمد

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۱۵۱۰۴۵۹۵۱ در پیام رسان ایتا بفرستید.



ابراز ارادت نوجوانان محله سیدی به حضرت قاسم

دانش آموزان دبستان امام حسن (ع) مصلی نژاد محله سیدی با حضور در چهاردهمین سوگواره «احلی من العسل» در حرم مطهر رضوی، در آیین سوگواری حضرت قاسم بن الحسن (ع) شرکت کردند. این مراسم با حضور جمع زیادی از دانش آموزان و نوجوانان برگزار شد و شرکت کنندگان با نوحه خوانی، سینه زنی و همخوانی، ارادت خود را به حضرت سیدالشهدا (ع) و یارانش ابراز کردند. دانش آموزان این مدرسه در کنار نوجوانان مدارس دیگر، با نوحه خوانی و سینه زنی، در جمعی دوستانه، یاد شهید نوجوان دشت کربلا را زنده نگه داشتند.



آموزش سیاه قلم به نوجوانان در تابستان

سمیرا منشادی اگلاس های اوقات فراغت تابستانی با آموزش نقاشی سیاه قلم و مدارنگی در مرکز سفیران شهر بهشت محله ابوذر برپا شده است. اعظم یزدان پناه، عضو هیئت مدیره مرکز سفیران شهر بهشت، می گوید: این دوره ها با هدف شناسایی و پرورش استعداد های هنری کودکان و نوجوانان و فراهم کردن فضایی آموزشی در ایام تابستان برگزار می شود. علاقه مندان برای ثبت نام و کسب اطلاعات بیشتر می توانند به دفتر این مؤسسه در رباط طرق ۷ مراجعه کنند.



آشنایی کودکان با فرهنگ عاشورا

هم زمان با شب های محرم، جبهه مردمی فدائیان اسلام در چهارراه مقدم محله پروین اعتصامی، هر شب برنامه های ویژه ای برای عزاداران خردسال برگزار می کند. به گفته حجت الاسلام والمسلمین حجت صباغیان، مسئول جبهه مردمی فدائیان اسلام، این غرفه با هدف آشنایی کودکان با فرهنگ عاشورا برپا شده است و سخنرانان با زبانی ساده و داستانی، واقعه کربلا را برای آنان روایت می کنند. مداحان کودک نیز با نوحه خوانی و مرثیه سرایی، هم سالان خود را به سینه زنی و عزاداری سیدالشهدا (ع) دعوت می کنند.



داوران کشوری کامبت در منطقه ما

مجموعه ورزشی شهید اصلانی در محله بهارستان، میزبان کلاس بازآموزی داوران کیک بوکسینگ، سبک کامبت بود؛ دوره ای که با حضور استادان و داوران کشوری برگزار شد تا شرکت کنندگان تازه ترین قوانین و نکات داوری را مرور کنند. در این کلاس، داوران درباره آخرین قوانین، شیوه صحیح قضاوت و تجربه های خود با یکدیگر گفت و گو کردند. برگزاری چنین دوره هایی، علاوه بر افزایش هماهنگی میان داوران، به ارتقای کیفیت مسابقات این رشته نیز کمک می کند. ورزشکاران و علاقه مندان کامبت امیدوارند این آموزش ها برایشان در آینده هم تکرار شود تا زمینه رشد این رشته ورزشی را فراهم کند.

حوزه فنی و عمران همچنان در صدر درخواست های شهروندان



حوزه خدمات شهری

۸ تماس در حوزه خدمات شهری ثبت شد. نظافت جوی و جدول در خیابان شهیدخاکستری ۲۱ و شهیدقاسمی ۷، رفع سدمعبر در معبر شهیدخاکستری ۱۸ و شهیدفرجامی ۶، نصب پاکس زباله در خیابان شهیدغفاری ۲، جمع آوری زباله و رفت و روب معابر در خیابان شهیدخاکستری ۵، جمع آوری بشکه های قیر در معبر رباط طرق ۳، جمع آوری انبار ضایعات در خیابان شهیدبهرامی ۳۰ از درخواست های شهروندان بود.



تعداد پیام های مردمی

۲۳ تماس



حوزه فنی و عمران

در مجموع ۹ تماس به حوزه فنی و عمران اختصاص داشت. در این تماس ها شهروندان درخواست پرکردن حفاری در خیابان صاحب الزمان ۲۰ و بولوار ساعی، پیاده رو سازی و اجرای جدول در صاحب الزمان ۲۲، لکه گیری و روکش آسفالت در شهیددایی ۶ و معابر صاحب الزمان ۱۱ و ۱۳، شهیدقاسمی ۱۱، شهیدصدری ۱۶ و شهیدغفاری ۹ را مطرح کردند.



سمیرا منشادی ارضا داوری، شهردار منطقه ۷، در روز هفتم تیرماه با حضور در مرکز ارتباطات مردمی ۱۳۷ به مدت ۹۰ دقیقه پاسخگوی تماس های مردمی بود. این ارتباط مستمر تلفنی هر ماه صورت می گیرد و در برنامه این هفته، معاون شهرسازی، مدیر روابط عمومی و رؤسای ادارات، شهردار منطقه را همراهی کردند.



حوزه نظارت بر ساخت و سازها

۴ تماس در این حوزه برقرار شد. شهروندان درخواست بررسی ساخت و ساز غیرمجاز شهیداصلانی ۲۱، شهیدساعی ۳۱، احدی ۳ و دابی ۶۵ را داشتند.



حوزه فرهنگی

۲ تماس در حوزه فرهنگی برقرار شد. شهروندی از خیابان فدائیان اسلام درخواست کمک های فرهنگی به اجتماعات شبانه چهارراه مقدم را داشت. شهروند دیگری از قائم ۲۱ ضرورت تعمیر وسیله سرمایش سالن ورزشی گوهرشاد را مطرح کرد.



شهرآرامحله پیگیری می کند

- شهرآرامحله در هفته های آینده، مشکل سرمایش سالن ورزشی گوهرشاد و درخواست جمع آوری انبار ضایعات در خیابان شهیدبهرامی را پیگیری خواهد کرد.



شیب نامناسب و ناهمواری سنگ فرش خیابان امام رضا ۵ به معضلی برای زائران و مجاوران تبدیل شده است

حادثه سازبودن یک معبر پرترد

نجمه موسوی زاده | عبور از ابتدای کوچه امام رضا ۵ برای بسیاری از عابران شاید تنها چند ثانیه طول بکشد، اما همین چند متر، به دلیل شیب نامناسب سنگ فرش و اختلاف سطح در پیچه های موجود، به نقطه ای دردسرساز تبدیل شده است. به طوری که در ماه های اخیر چند نفر در این نقطه، زمین خورده و آسیب دیده اند.

کسبه محله سرشور، معتقدند این مشکل بیش از همه برای سالمندان، کودکان، افراد کم توان و راکبان موتورسوار دردسرساز شده است؛ معضل به ظاهر ساده ای که به دلیل قرار داشتن در یکی از معابر پرتردد منتهی به حرم مطهر رضوی، حادثه ساز شده است.



● زمین خوردن در تاریکی شب

به گفته اهالی، این مشکل مدت هاست وجود دارد و تاکنون چندین حادثه نیز در این نقطه رخ داده است. مصطفی حامد، عضو شورای اجتماعی محله سرشور واز کسبه این محدوده است. او می گوید: کوچه امام رضا ۵، به دلیل نزدیکی به حرم مطهر، هتل آیارتمان ها و مهمان پذیرهای زیادی دارد که همین موضوع سبب رفت و آمد زیاد زائران از این مسیر می شود.

او ادامه می دهد: شیب سنگ فرش ابتدای کوچه و قرار داشتن دو در پیچه شرکت های خدماتی که با همین سنگ فرش اختلاف سطح دارند، به شکلی است که اگر کسی حواسش نباشد یا برای اولین بار از این مسیر عبور کند، ممکن است تعادلش را از دست بدهد و زمین بخورد. این مشکل شب ها که تشخیص اختلاف سطح سخت تر است، بیشتر هم می شود.

حامد می افزاید: در همین یک ماه گذشته، دست کم سه نفر در همین نقطه زمین خوردند. یکی از آن ها راکب موتورسواری بود که به شدت آسیب دید و حدود یک ماه پایش در گچ بود. هنوز هم نمی تواند به درستی راه برود.

● دردسری برای سالمندان

محمود خسروی، دیگر کاسب محله است. او می گوید: کافی است برای چند دقیقه در اینجا بایستید تا تعداد افرادی که با کالسکه یا ویلچر و نیز سالمندانی را که بدون عصا و با زحمت از اینجا رد می شوند، بشمارید. تعدادشان بسیار زیاد است؛ افرادی که به خاطر اختلاف سطح در پیچه ها و شیب نامناسب سنگ فرش، تردد از این قسمت برایشان سخت و حتی خطرناک است. او می افزاید: مشکل این کوچه شاید در ظاهر جزئی به نظر برسد

ولی ما بارها شاهد گیرکردن چرخ کالسکه یا پیچ خوردن پای افراد سالمند در این محدوده بوده ایم.

خسروی توضیح می دهد: مشکل ناهمواری این معبر بارها به صورت شفاهی به شهرداری منتقل شده، اما تاکنون تغییری در وضعیت آن ایجاد نشده است. این در صورتی است که در روزهای پرتردد به ویژه مناسبت های مذهبی و ایام تعطیل، تعداد عابران در این محدوده بیشتر می شود و همین موضوع احتمال بروز حادثه را بیشتر می کند.

● بیشترین آسیب برای راکبان موتور

علی احمدی که به صورت روزانه با موتورسیکلت در این محدوده تردد می کند، می گوید: وقتی از خیابان وارد کوچه می شویم، به دلیل شیب مسیر و اختلاف سطح در پیچه ها، کنترل موتور سخت می شود. اگر سرعت کمی بیشتر باشد یا راننده از وضعیت مسیری بی خبر باشد، احتمال زمین خوردنش بسیار زیاد است.

او که با موتور، برای کاسبان این محدوده، اجناس مورد نیازشان را می آورد، می افزاید: من چون رفت و آمدم از این مسیر زیاد است، راهم راکب می کنم تا چرخ موتورم گیر نکند. اما باز هم باید حواسم را بیشتر جمع کنم، چون برای من هم پیش آمده است که تعادل مرا از دست بدهم.

● مرمت پس از تخصیص اعتبار

رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۸ در این باره توضیح می دهد: پس از انتقال این موضوع از سوی شهرآرامحله و بازدیدی که از محل انجام شد، اصلاح این معبر در فهرست پروژه های مرمتی قرار گرفت. سبحان ضیائی ادامه می دهد: پیش بینی می شود پس از تخصیص اعتبار، عملیات مرمت و بهسازی معبر امام رضا ۵، ظرف دو ماه آینده اجرا شود.

رفع نقص گاردریل بزرگراه شهید سلیمانی

مسئول امور حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۸، از تعمیر و بازسازی گاردریل آسیب دیده بزرگراه شهید سلیمانی خبر داد. سید سعید موسوی بزاز گفت: در پی آسیب دیدگی قسمتی از گاردریل بزرگراه شهید سلیمانی، موضوع در دستور کار قرار گرفت و پس از هماهنگی با سازمان ترافیک، عملیات مرمت و رفع نقص آن انجام شد.



برای رفاه حال زائران

خیابان امام رضا (ع) در مراسم بزرگ مذهبی همواره پذیرای زائران و مجاوران بسیاری است. شهرداری منطقه ۸ در روز تاسوعا و عاشورا برای رفاه حال عزاداران حسینی ۶۳ چشمه سرویس بهداشتی سیار پس از آماده سازی و تجهیز کامل، در اختیار زائران و سوگواران حسینی قرار داد. این اقدام در دهه آخر صفر و مناسبات مهم مذهبی انجام می شود.

تلاش های خدمات شهری برای زائران حسینی

به همت شهردار منطقه ۸ برای پشتیبانی از مراسم تاسوعای حسینی، سی دستگاه ماشین آلات و تجهیزات شامل خودروهای شست و شو، جمع آوری پسماند، حمل خاک، مه پاش و مینی تریلر در مسیرهای منتهی به حرم مطهر رضوی و خیابان امام رضا (ع) مستقر و به کارگیری شد تا خدمات شهری بدون وقفه و در بالاترین سطح ممکن ارائه شود.

با انتقال پیام شهروند به اداره فضای سبز انجام شد پایان دردسرها ساکنان کوچه شوش ۶ با هرس درخت



نجمه موسوی زاده | شهروندی در فضای مجازی نوشته بود: «در کوچه شوش ۶، درختی به سمت منزل مسکونی متمایل شده که علاوه بر کج بودن درخت، لانه پرندگان آن مشکلاتی برای ساکنان ایجاد کرده است. هنگام وزش باد یا بارندگی، بوی نامطبوع ناشی از لانه پرندگان در فضای خانه پخش می شود و گاهی نیز پرندگان مرده به داخل خانه می افتند.»

شهرآرامحله این درخواست را به مهدی مقدم، رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه ۸، منتقل کرد. پس از بررسی موضوع، نیروهای فضای سبز برای هرس شاخه های درخت و جمع آوری لانه پرندگان مرده اقدام کردند. با این اقدام، مشکل ساکنان برطرف و رضایت شهروند جلب شد.





قدیمی محله مقدم بیش از ۶۰ سال از عمرش را پای هیئت‌ها گذاشته است

حاج یوسف میان‌دار



سمیرا منشادی ابعاد از نماز ظهر، مسجد سجاده محله مقدم هنوز خلوت نشده است. هنوز صف‌های نماز به هم نخورده که صدای مداحی فضای مسجد را پر می‌کند. مردها آرام آرام حلقه عزاداری تشکیل می‌دهند و با هر ضربه‌ای که بر سینه می‌زنند، صدایی رسا، جمع را هماهنگ می‌کند: صدایی که برای بسیاری از اهالی این محله آشناست. یوسف صداقت سال هاست میان‌دار عزاداری هیئت‌های محله مقدم است. او که حالا ۸۳ سال دارد، از کودکی در هیئت‌های قدیمی مشهد قد کشیده است. میان‌داری را کنار پدر بزرگش آموخته است. سال‌ها در دسته‌های عزاداری پیش قدم بوده و در روزهای جنگ تحمیلی هم در جبهه، میان صدای خمپاره و آژیر، با هم‌زمانش به سینه‌زنی برای امام حسین^(ع) پرداخته است. حاجی هر روز پیش از اذان، خود را به مسجد امام علی^(ع) در خیابان کوشش ۲۰ می‌رساند تا وسایل صوتی را برای نماز آماده کند و بعد از آن، اگر مجلسی برپا باشد، کنار عزاداران بایستد. یوسف صداقت، میان‌داری را فقط هدایت عزاداران و سینه‌زنی نمی‌داند. به باور او، میان‌دار پیش از آنکه صدای مجلس باشد، باید با رفتار، ادب و احترامش الگوی عزاداران باشد. حالا پسرش، علیرضا با فعالیت‌های فرهنگی که در محله انجام می‌دهد، به شیوه‌ای دیگر با جای پدر گذاشته است.

همراه کوچک پدر بزرگ در هیئت

آقایوسف متولد و بزرگ شده پایین خیابان است. دوساله بود که پدرش را در سال ۱۳۲۴ از دست داد و به همراه مادر، در کنار پدر بزرگ و مادر بزرگ، زندگی را ادامه داد. آقایوسف که به تازگی وارد هشتاد و سه سالگی شده، هر چاکه دوران کودکی‌اش را به یاد می‌آورد، خودش را کنار پدر بزرگش، مرحوم حاج عزیزا... صداقت، می‌بیند. اومی گوید: پدر بزرگم میان‌دار هیئت پوست فروش‌های پنج راه پایین خیابان بود. هر زمان که می‌خواست به هیئت برود، دستم را می‌گرفت و با خودش می‌برد. او در تمام سال‌های عمرم، جای پدر نداشته‌ام را بر ایام پرکرد و راه و رسم زندگی و البته میان‌داری را به من آموخت. خاطرات دوران کودکی‌اش یکی یکی مقابل چشمانش رژه می‌روند. عرق چین مشک‌ی روی سرش را جابه‌جا می‌کند و می‌گوید: بچه بودم و با هیئت هماهنگ سینه نمی‌زدم. به قول هیئتی‌ها، لُق سینه می‌زدم. آن‌ها که می‌دیدند ریتیم سینه‌زنی را به هم می‌زنم، دستم را می‌گرفتند و من را به گوشه‌ای می‌بردند تا بازی کنم. کمی صبر می‌کردم تا آن‌ها سرگرم سینه‌زنی شوند، باز دوباره می‌رفتم و کنارشان می‌ایستادم با همان دست‌هایی که نمی‌توانست مانند بزرگ‌ترها سینه‌زنی کند، بر سینه می‌زدم. او عشق و علاقه خالصانه مرحوم پدر بزرگش به ایام محرم و عزاداری برای امام حسین^(ع) را به خاطر می‌آورد؛ او قاتی را که پدر بزرگ با سروسینه‌ای سرخ از عزاداری به خانه برمی‌گشت.

میان‌داری از نوجوانی

وقتی به نوجوانی رسید، ابتداء در کنار پدر بزرگ و سپس به جای او در هیئت پوست فروش‌های میان‌داری کرد. او از آن روزها می‌گوید: همان‌طور که آداب و رسوم در این سال‌ها نسبت به گذشته تغییر کرده، میان‌داری هم تغییراتی داشته و حتی در برخی هیئت‌هایی که بیشتر جوانان حضور دارند، نقش میان‌دار حذف شده است. امام‌دار هیئتمان همچنان این رسم را حفظ کرده‌ایم. هنوز هم در هیئت‌های قدیمی که به شیوه سنتی عزاداری می‌کنند، میان‌دار نقش مهمی دارد. او به یاد دارد که میان‌دارها تنها گرم‌کننده مجلس‌های عزاداری نبودند، نظم‌دهنده مجلس و سینه‌زنی بودند و در پایان نیز دعای ختم را بر عهده داشتند.

الگو گرفتن از نسل قبل

میان‌داری برای خودش آداب و رسومی دارد که آقایوسف آن را این‌گونه توضیح می‌دهد: میان‌دار باید با وضو باشد و با حضور قلب وارد مجلس شود. مهم‌ترین مسئله برای یک میان‌دار، ادب و خلوصش است. او ادامه می‌دهد: میان‌داران از گذشته در چشم عزاداران مجلس حسینی، ارج و قرب داشته‌اند و هنوز هم دارند. آن‌ها به عنوان پرچم‌داران هیئت، در مناسبت‌های دینی، الگوی جمع عزاداران به شمار می‌رفتند. در کنار این جایگاه، ادب، تواضع و نوع برخورد میان‌دار با عزاداران، چه بزرگ‌تر باشد و چه کوچک‌تر و حتی با سخنران، بسیار مهم است. اوست که سبب می‌شود عزادار برای دفعات دیگر به آن هیئت بیاید یا نه.

این میان‌دار قدیمی معتقد است کسی که در مجلس عزاداری مسئولیت میان‌داری را بر عهده می‌گیرد، باید بیش از دیگران در رفتار و منش خود دقت کند: زیرا الگوی نسل جوان است، همان‌طور که او هم از نسل قبل خودش الگو گرفته است.

او ادامه می‌دهد: ما باید نقش خودمان را که اداره مجلس عزاداری و یاری رساندن به مداح و سینه‌زنان است، به خوبی بشناسیم و بر آن تسلط داشته باشیم و با هدایت و همراهی جمع، به شور و نظم مجلس کمک کنیم.



کسی که در مجلس عزاداری مسئولیت میان‌داری را بر عهده می‌گیرد، باید بیش از دیگران در رفتار و منش خود دقت کند: زیرا الگوی نسل جوان است، همان‌طور که او هم از نسل قبل خودش الگو گرفته است



۳۰ سال علم‌کشی

اودر هیئت، تنها میان دار نبوده و حدود سی سال نیز در عزاداری‌ها و دسته‌های محلی علم‌کشی کرده است. نخستین بار که زیر علم رفت و آن را بردوش گرفت، حدود سی سال داشت. خاطره آن روز را این گونه تعریف می‌کند: تا آن روز در هیئت‌های مختلف میان دار بودم، اما هیچ وقت علم‌کشی نکرده بودم. یک سال، روز عاشورا وقتی هیئت به سمت حرم مطهر رضوی حرکت می‌کرد، یکی از دوستانم فُلُق علم را به تنم کرد و گفت: «نفر بعدی تو هستی که باید علم را بلند کنی.» هنوز می‌خواستیم بگویم نمی‌توانم که دیدم علم روی دوشم قرار گرفت. خیلی نگران بودم. آن قدر تحت تأثیر قرار گرفته بودم که سنگینی علم را حس نمی‌کردم. حواسم تنها به این بود که علم از روی دوشم نیفتد؛ زیرا حفظ تعادلش سخت بود. به قول ما، علم برای خودش بازی می‌کرد و باید آن را کنترل می‌کردم. هر طور بود چند متر راه رفتم و بعد علم را به نفر بعدی سپردم.



ساخت مسجد ابو الفضلی، از سوی کارگران نخریسی

این پیشکسوت میان دار، بعد از دواج و با توجه به اینکه در کارخانه نخریسی کار می‌کرد، محله مقدم را برای زندگی متأهلی اش انتخاب کرد.

در محله جدید زندگی اش، با کمک و همکاری کارگران و سرپرست کارخانه، مسجد ابو الفضلی در پروین اعتماسی ۸ ساخته شد. آن‌ها از صفر تا صد ساخت را خودشان پیش بردند و برای بالابردن رنج به رنج آجرهای مسجد دست به دست هم دادند. آقا یوسف می‌گوید: قبل از اینکه مسجد ساخته شود، هیئتمان در خانه‌ها برگزار می‌شد. سرکارگری داشتیم به نام مرحوم عباس بی‌غم؛ پهلوانی خوش اخلاق که ارادت بسیار به اهل بیت (ع) داشت. او با همفکری بقیه، زمین مناسبی برای ساخت مسجد پیدا و خریداری کرد. او با همان خوش نامی و اخلاق خوش، اهالی محله و کارگران کارخانه را برای ساخت مسجد پای کار آورد. البته خودش هم مبلغ قابل توجهی برای ساخت مسجد هزینه کرد. حدود دو سال طول کشید تا کار ساخت و ساز به پایان برسد.

آقا یوسف دقیقاً به خاطر ندارد مسجد ابو الفضلی در چه سالی ساخته شد، اما می‌داند که ساخت آن به دهه ۴۰ برمی‌گردد. او ادامه می‌دهد: با ساخت مسجد، برنامه‌های هیئت ابو الفضلی هم به خانه‌ها منتقل شد. برنامه این طور بود که شب‌های جمعه ابتدا نوحه خوانی داشتیم و بعد هم دم می‌گرفتیم و سینه می‌زدیم. در دهه اول محرم هم ابتدا در مسجد خودمان عزاداری می‌کردیم و گاهی هم برای عزاداری به مساجد دعوت می‌شدیم. در روز تاسوعا و عاشورا هم بعد از عزاداری در مسجد به سمت حرم مطهر رضوی می‌رفتیم.

آقا یوسف با غمی که در صدایش موج می‌زند، این گونه ادامه می‌دهد: خدا بامر عباس بی‌غم که از دنیا رفت، هیئت هم کم‌کم از رونق افتاد. اعضای هیئت به مساجد دیگر رفتند و به این شکل، هیئت ابو الفضلی هم منحل شد. مسجد ابو الفضلی را چند سال قبل دوباره بازسازی کردند اما هیئت دیگر رونق نگرفت. کار به جایی رسید که از سال ۶۸ به مسجد امام علی (ع) در خیابان کوشش ۲۰ می‌روم و آنجا مسئولیت صوت و خیریه مسجد را بر عهده دارم.

پسر، ادامه دهنده راه پدر

«پسر کو ندارد نشان از پدر...» این مثل برای علیرضا صداقت چهل و هفت ساله، پسر آقا یوسف، صدق می‌کند. او هم مانند پدر بزرگ و پیدرش از همان کودکی در هیئت‌های مختلف حضور داشته است. در کارهای فرهنگی محله سهیم بوده و اکنون رئیس شورای اجتماعی محله مقدم است.

آقا علیرضا می‌گوید: از زمانی که یادم می‌آید، در هیئت‌ها هر کاری از دستم برآمد انجام داده‌ام؛ از استکان شستن و پای کار پخت و پز بودن تا علم‌کشی.

در کودکی با کودکان و نوجوانان محله برای انجام کارهای هیئت رقابت می‌کرد. با یادآوری آن روزها لبخندی روی لبش می‌نشاند و می‌گوید: محرم که از راه می‌رسید، انگار جان تازه‌ای می‌گرفتم. شب‌ها همراه پدرم به مسجد می‌رفتم. او میان داری می‌کرد و من هم در گوشه و کنار هیئت، همراه بچه‌های دیگر، پای کار بودم. روزهای تاسوعا و عاشورا که به سمت حرم می‌رفتیم، ما که نمی‌توانستیم علم را برداریم، رقابت داشتیم که چه کسی سه چرخه زیر علم را بکشد.

او عاشق این بود که روزی علم هیئتشان را بردوش بگیرد و مانند پدر، علم‌کش هیئت شود. به پدرش نگاه می‌کند و با یادآوری آن روزهای می‌گوید: ما بچه‌ها توان برداشتن علم بزرگ را نداشتیم. هر سال محرم به پدرم و سایر بزرگ‌ترها می‌گفتیم یک علم سه تیغ کوچک برایمان تهیه کنند تا ما هم علم مخصوص خودمان را داشته باشیم. آن‌ها قول می‌دادند برایمان تهیه کنند، اما به قولشان عمل نمی‌کردند. باز تا سال بعد همین ماجرا تکرار می‌شد.

شورگرفتن مردم از میان دار

آقا علیرضا بالاخره در جوانی به آرزوی رسیدن و علم را بر دوش گرفت. او ادامه می‌دهد: مانند پدرم میان دار نشدم اما از جوانی علم‌کشی کرده‌ام. در کنار کارهای هیئت، در فعالیت‌های فرهنگی هم حضور دارم. گروه جهادی مردمی شهید حاج حسین همدانی را در سال ۱۳۹۸ تأسیس کردم و ذیل این گروه، به همت سایر دوستان، فعالیت‌های مختلفی در این سال‌ها انجام داده‌ایم.

درباره هیئت‌های قدیم و حال و هوایشان می‌گوید: وقتی میان دار گریه می‌کرد و شور می‌گرفت، مردم با صدای او و اشک هایش به شور می‌آمدند. عزاداری‌هایی ریا و خودمانی بود. در روز عاشورا می‌توانستی از کوچک و بزرگ اهالی محله را در هیئت ببینی که گوشه‌ای از کار را به دست گرفته‌اند.

او به رعایت شأن مجلس اهل بیت (ع) اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: همه باید دست به دست هم بدهند تا حرمت مجلس امام حسین (ع) حفظ شود؛ از میان دار گرفته تا چای ریز. نگاه بزرگان هیئت و هیئت‌داران به عزاداران، نوع صحبت کردن و احترام گذاشتن به مهمانان امام (ع) باید به گونه‌ای باشد که یک عزادار را جذب دستگاه امام حسین (ع) کند.

میان داری در جبهه

آقا یوسف در سال‌هایی که کشور درگیر جنگ تحمیلی بود، علم را زمین گذاشت و اسلحه به دست گرفت. او از طرف کارخانه نخریسی به جبهه اعزام شد. می‌گوید: سال ۱۳۶۳ بود که به همراه چند نفر از کارگران کارخانه به اهواز رفتیم. همان‌جا بود و در آنجا یک آمبولانس به من تحویل دادند و راهی ایلام شدم. جبهه و رزمندگان حال و هوای دیگری داشت. هر وقت فرصتی پیش می‌آمد، برای رزمندگان نوحه می‌خواندم و دسته جمعی سینه می‌زدیم. یادم می‌آید که رزمندگان می‌گفتند قبل از عملیات، آقای آهنگران می‌آمد و برایشان دم می‌گرفت. البته خودمان هم در سنگرها، پیش از عملیات، زیارت عاشورای خواندیم و سینه زنی مختصری برگزار می‌کردیم. درست مثل شب عملیات می‌مک؛ بعد از خواندن زیارت عاشورا سوار آمبولانس شدم و همراه سایر رزمندگان به سوی خط مقدم رفتیم. او در حال آمدن در سانی بود که ناگهان صدای جت‌های جنگی و انفجار بلند شد. آقا یوسف به جای ترکش‌های پیشانی اش دست می‌کشد و ادامه می‌دهد: کنار آمبولانس رازدندومن از ماشین به بیرون پرتاب شدم و بیهوش روی زمین افتادم. وقتی چشم باز کردم، دیدم مجروح شده‌ام و دست و پیشانی‌ام پراز ترکش شده است. من را برای درمان به اصفهان بردند و سپس مشهد آوردند. این رزمنده قدیمی معتقد است حالا هم که کشور در شرایط خاصی قرار دارد، مسئولیت دارد. به همین دلیل این شب‌ها همراه اهالی محله مقابل مسجد در تجمع مردمی شرکت می‌کند، سپس همراه دیگر مسجدی‌ها با راهپیمایی تا مقابل شهرداری منطقه ۷ پرچم می‌گردانند.



داستان زوج محله امام رضا^(ع) که از زمان جنگ تحمیلی سوم، در قلب اجتماعات حضور داشته‌اند

حضور بی وقفه در جبهه خیابان

راه تجربه



نجمه موسوی زاده | حضور در اجتماع های مردمی شبانه برای محمد حسن احمدیان و وجیهه خطیبی اتفاق تازه ای نیست. این زوج ساکن محله امام رضا^(ع) از سال های پیش از پیروزی انقلاب با نشستن پای سخنرانی های رهبر شهید، حضور در تظاهرات و پیگیری فرمایشات امام خمینی^(ع) نشان داده بودند که دل در گرو ولایت دارند. آن ها بعد از شهادت قائد امت اسلامی تاکنون، فقط شب های انگشت شماری در اجتماع مردمی حضور نداشته اند. حالا نه تنها حضورشان به ۱۱۵ شب در خیابان رسیده است، بلکه تلاش کرده اند خانواده و دوستان را نیز در این مسیر با خود همراه کنند.

یابد: «دوران هشت ساله دفاع مقدس می دیدم مردم پشت یکدیگرند و در جبهه و پشت جبهه با جان و دل از هم حمایت می کنند و حالا هم دوباره همان صحنه ها را می بینم؛ کودکان، نوجوانان و بانوانی را می بینم که برای پذیرایی و پرچم گردانی می آیند، پیرمردهایی که توان راه رفتن ندارند، جانبازان دفاع مقدس که بازحمت زیاد به دلیل معلولیت به مراسم می آیند. این نشان می دهد جای درست ایستاده ایم.»



پای صحبت های حضرت آقا در سرشور

آقا محمد حسن، متولد شهرستان کاشمر است. او ۵۵ ساله، هنگامی که نوزده ساله بود، برای اینکه در جلسات سخنرانی و روشنفکری آقا سید علی خامنه ای شرکت کند، سوار اتوبوس می شد تا خودش را به خانه رهبر شهید در سرشور برساند. او تعریف می کند: آن زمان فضای کشور پرالتهاب بود و کمتر کسی جرئت داشت درباره مسائل سیاسی و اجتماعی صحبت کند. آیت... مشکینی به خاطر همین موضوع به کاشمر تبعید شده بود و در همسایگی ما زندگی می کرد.

او که از طریق هم صحبتی با آیت... مشکینی بینش سیاسی پیدا کرده بود، متوجه شد که آیت... سید علی خامنه ای در مشهد و در خانه خودشان سخنرانی می کنند؛ «هر دو هفته و گاهی هم هر هفته خودم را به مشهد می رساندم تا پای صحبت های حضرت آقا بنشینم. یادم است جوانان بسیاری مثل من در جلسه حضور داشتند.»

احمدیان، خانه رهبر شهید را بسیار ساده توصیف می کند و می گوید: لوازم خانه بسیار ساده بود. چند متکا برای تکیه دادن بود و از حاضران با چای پذیرایی می شد. حضرت آقا هیچ فاصله ای با حاضران نداشتند و با اینکه ممکن بود نفوذی یا حتی ساواکی و مخبر در جمع حضور داشته باشد، در این جلسه از همه با روی خوش استقبال می کردند. صحبت های ایشان آن قدر به دل می نشست که وقتی هفته بعد برای شرکت در جلسه می آمدم، تعدادمان بیشتر شده بود.

معلمی در مسیر آرمان ها

حضور در جلسات باعث شد آقا محمد حسن در شهرستان خودش هم دست به فعالیت های انقلابی بزند؛ کاری که در آن برهه در شهرستان کوچکی مثل کاشمر از دست من برمی آمد، پخش اعلامیه و حضور در تظاهرات بود. سعی می کردم آنچه را در مشهد از آیت... خامنه ای شنیده ام، برای دوستان و افرادی که در کاشمر می شناختم، تعریف کنم تا آن ها هم با رانت و فساد اقتصادی رژیم پهلوی بیشتر آشنا شوند. سال ۵۷، بعد از پیروزی انقلاب، شغل دبیری را انتخاب کرده و همچنان، پروپا قرص، پای آرمان هایش ایستاد. او با حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن، روز قدس و همچنین شرکت در انتخابات، تلاش کرد شاگردان و فرزندان را انقلابی بار بیاورد.

سال ۱۳۶۹ به عشق همسایگی با حضرت رضا^(ع)، دست زن و بچه اش را گرفت و ساکن مشهد شد؛ «همسر من نیز با من هم عقیده بود و همه راهپیمایی های این سال ها را با هم شرکت کردیم. خوشبختانه تربیت درست بچه هایم باعث شد آن ها هم از کودکی تا الان که خودشان پدر و مادرند، در مسیر انقلاب و روشنگری آرمان های نظام گام بردارند.»

جای درستی ایستاده ایم

آقا محمد حسن هنگامی که خبر شهادت حضرت آقا را شنید، آن قدر شوکه شد که تا چند ساعت سردرد بود؛ «شنیدن این خبر باعث شده بود دوباره روزهای جوانی ام را به یاد بیاورم وقتی پای صحبت های حضرت آقا می نشستم یا موقعی که روز اول سال نو در حرم امام رضا^(ع) فرمایشاتشان را می شنیدم؛ برای همین مسکن درد را رافتن به حرم امام مهربانی هایم دانستم. کمی با حضرت خلوت کردم و برای امام شهید مان اشک ریختم تا خالی شوم.»

او از شب اول شکل گیری اجتماعات مردمی در آن شرکت می کند؛ «یک ماه به اجتماع شبانه میدان امام خمینی^(ع) رفتم تا اینکه مسجد عباسی که نزدیکی منزلمان است، این مراسم را در مقابل مسجد برپا کرد. از همان موقع تا الان در این تجمع شرکت می کنم.» احمدیان در بیش از ۱۱۵ شبی که مراسم اجتماع مردمی برپا بوده است، تنها به اندازه انگشتان دست نتوانسته در آن حضور

سهم و جیهه خانم از یک حرکت مردمی

وجیهه خانم هنگامی که انقلاب به پیروزی رسید، دختری نوجوان بود ولی همراه پدر و مادرش به تظاهرات می رفت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز زلفت و آمدش به مسجد برای اقامه نماز باعث شد در فعالیت های فرهنگی مشارکت کند.

او نیز پیش از صد شب در اجتماع حضور داشته است، حضوری که همراه با کمک برای پذیرایی از شرکت کنندگان بوده است. وجیهه خانم می گوید: از بعد ماه مبارک رمضان که اجتماع مردمی در مقابل مسجد عباسی برگزار شد، خیران بسیاری برای پذیرایی داوطلب شدند. برای پخت و پز و آماده سازی در مسجد یا منزل یکی از بانوان بسیجی دور هم جمع می شویم تا قدمی در راه این کار خیر برداریم.

دوران هشت ساله دفاع مقدس می دیدم مردم پشت یکدیگرند و مالا هم دوباره همان صحنه ها تکرار می شود

تا وقتی لازم باشد، در میدان می مانیم

وجیهه خانم، از دیدن بچه های کوچک در مراسم اجتماع به وجد می آید. او تعریف می کند: نوه دختری ام پنج ساله است. او هر وقت منزل ماست، ذوق و شوق زیادی دارد که همراهمان به اجتماع بیاید. پسر من نیز دو فرزند دارد. او دست بچه هایش را می گیرد و به اجتماع می برد. تلاش ما این است که از کودکی آن ها را با آرمان های انقلاب آشنا کنیم. وجیهه خانم خطیبی تا آخرین لحظه که دعای فرج خوانده می شود، در مراسم اجتماع حضور دارد؛ «برخی تصور می کردند رفته رفته تعدادمان در این مراسم کم شود اما این طور نیست؛ شب های زیادی همراه با دوستان و فامیل به مراسم می رویم تا نشان دهیم همچنان پایه قرص در میدان ایستاده ایم و تا موقعی که رهبرمان بگوید، حضورمان در خیابان پرشور است.»





مداح جوان محله شهید بهشتی، از تجربه یک دیدار غیرمنتظره در کربلا می‌گوید

آرزویی که در دلم نماند



«حس خوبی نداشتم. حق هم داشتم؛ آقای پویانفر الگویم بود. حتی ناخودآگاه یکی از مداحی‌هایش را زیر لب زمزمه کردم. با خودم می‌گفتم اشکالی ندارد. حتماً می‌توانم او را ببینم. شنیده بودم چند مداح معروف در خیمه‌گاهی که در بین الحرمین به مناسبت شهادت برپا شده، حضور دارند؛ بنابراین امیدوار بودم آنجا پیداایش کنم.»

● دیدن مداح محبوب

دل عرفان با این حرف‌ها هنوز آرام نشده بود. بعد از اینکه نمازش را خواند، به سمت ضریح امام حسین (ع) رفت تا یک بار دیگر عرض ارادت کند، سپس به هتل برگردد؛ همان طور که خودم را سرزنش می‌کردم که چرا خوابم برده است. یک دفعه میان جمعیت، چشمم به آقای پویانفر افتاد. اول باورم نمی‌شد. سریع جلورفتم و خودم را معرفی کردم.»

برخورد صمیمانه این مداح، خستگی و ناراحتی را از دل عرفان بیرون برد؛ باروی خوش با من صحبت کرد و گفت یک بیت برایش بخوان. من هم بخشی از یکی از نوحه‌های او را اجرا کردم. وقتی صدایم را شنید، خیلی تشویقم کرد و گفت آینده روشنی برایت می‌بینم و سپس با هم عکس یادگاری دوفره‌ای گرفتیم.»

عرفان همان طور که عکس داخل گوشی‌اش را نگاه می‌کرد، یک باره نگاهش را روانه ضریح امام حسین (ع) کرد؛ همان جاد دلش گفت: «این اتفاق خوب از برکت زیارت شما بود.»

خوابم برد. چند دقیقه بعد با سر و صدای اطراف از خواب بیدار شد. نماز جماعت تمام شده بود و دوستانش دور هم ایستاده بودند و به تلغن همراهشان نگاه می‌کردند. «رفتم جلو و پرسیدم چه اتفاقی افتاده است. بچه‌ها گفتند همین چند دقیقه‌ای که خواب بودی، محمد حسین پویانفر را اینجا دیدیم.»

چند نفر از بچه‌ها با او صحبت کرده و توانسته بودند عکس یادگاری هم بگیرند؛ «وقتی عکس‌ها را دیدم، خیلی ناراحت شدم. با خودم گفتم این هم شانس من است؛ چه بد موقع خوابیدم.» عرفان سال‌ها بود مداحی‌های پویانفر را گوش می‌کرد. بعضی از نوحه‌های او را حفظ و حتی در مراسم مختلف اجرا کرده بود. برای همین از دست دادن چنین فرصتی برایش سخت بود؛



نجمه موسوی‌زاده از بچگی پای ثابت برنامه‌های هیئت و جلسات روضه بود. تا امروز که ۱۹ سال دارد. همین موضوع باعث شد که عرفان امیریان خیلی زود متوجه صدای خوبش شود و مداحی را دنبال کند. از طرفی مکبری در مسجد و تشویق بزرگ‌ترها او را به سمت شرکت در مسابقات اذان آموزش و پرورش ناحیه ۳ مشهد سوق داد تا چند بار رتبه اول و دوم این مسابقات را از آن خود کند.

با این حال، مثل خیلی از نوجوان‌های عاشق اهل بیت (ع)، یک آرزوی بزرگ در دل داشت: اینکه روزی زائر کربلا شود و در کنار ضریح امام حسین (ع) دو رکعت نماز زیارت بخواند. دو سال پیش، این آرزوی مداح محله شهید بهشتی محقق شد و به عنوان یکی از نخبگان قرآنی راهی سفر کربلا شد؛ سفری که خاطرات بسیاری برایش به جا گذاشت اما یکی از آن‌ها از همه برایش شیرین‌تر است.

● چه وقت خوابیدن بود؟

شب شهادت امام حسن عسکری (ع) برای زیارت همراه با گروه نخبگان قرآنی به حرم امام حسین (ع) رفته بود. تا صبح در صحن و سرای حرم زیارت کرده بود. او تعریف می‌کند: «زائران کم‌کم برای نماز صبح آماده می‌شدند. من هم در گوشه‌ای از صحن نشسته و سرم را به دیوار تکیه داده بودم تا وقت اذان برسد و نماز بخوانم. رفت و آمد زائرها را نگاه می‌کردم و در حال و هوای حرم بودم. نمی‌دانم چطور شد که چشم‌هایم سنگین شد و همان جا

خاطره نوجوان محله عنصری از لحظه فراموش‌نشده مداحی‌اش

وقتی پرچم حرم در میان نوحه آمد

اطلاع نداده بودند که قرار است پرچم حرم این بانوی بزرگ را ببینند. مداحی‌ام را ادامه دادم و شور و حال معنوی خوبی در مراسم به وجود آمد. آن لحظه را فراموش نمی‌کنم.

● به جز هیئت در کجاها اجرا می‌کنی؟

مسئول هیئت مدرسه‌مان هستم و برگزاری مراسم عزاداری یا اعیاد با من است. همچنین در هیئت خانوادگی مان مداحی مراسم را به عهده دارم.

● چند سال است که در حرم رضوی مداحی می‌کنی؟

دو سال قبل بود که از طریق استادم برای شهادت حضرت زهرا (س) به حرم رضوی معرفی شدم. از آن سال تا حالا چهار بار برای برنامه‌های مختلف اجرا کرده‌ام که آخرین آن، مراسم چهاردهمین سوگواره «احلی من العسل» ماه گذشته بود.

● اشعار را چطور انتخاب می‌کنی؟

اشعار را از فضای مجازی و اینترنت پیدا می‌کنم. گاهی هم اشعاری را که استادم در اختیارم قرار می‌دهد، برای مداحی استفاده می‌کنم.

● قبل از اینکه اجرا کنی در خانه هم تمرین داری؟

به طور معمول برای مادرم اجرا می‌کنم، او با مداحی‌هایم گریه می‌کند.

● به چه سبکی از مداحی علاقه مندی؟

سبک مداحی آرام و سنگین‌رامی پسندم. سبک‌هایی را که هیجانی مداحی می‌کنند، دوست ندارم؛ زیرا در شأن ائمه (ع) نیست. الگویم در مداحی، مهدی رسولی و محمود سلیمی است.

● اولین باری که مداحی کردی، به خاطر داری؟

هشت ساله بودم که برای اولین بار مقابل استاد رضا خوش‌چهره مداحی کردم. استادم، گروهی از بچه‌ها را که کارشان بهتر بود، انتخاب کرده بود. روزی که مقابل ایشان مداحی کردم، مسلط بودم و همین سبب شد استاد خوش‌چهره، هدیه‌ای به رسم یادگاری به من بدهد.

● خاطره‌ای از زمان اجراهایت برایتان تعریف کن.

محرم سال قبل مشغول مداحی در هیئت بودم. ناگهان در باز شد و پرچم حرم حضرت زینب (س) را به داخل آوردند. از قبل



سمیرا منشادی امیرحسین چرخ‌زاده با اینکه فقط دوازده سال دارد، پنج سال است که مداحی می‌کند؛ نوجوانی از محله عنصری که از کلاس اول دبستان تا پایان کلاس هفتم، هر سال رتبه نخست مسابقات قرآن دانش‌آموزی ناحیه‌رایه دست آورده است. سال ۱۴۰۲ نیز مقام اول مسابقات استانی «کوثر محبت» را در رشته مداحی از آن خود کرد.

در کنار این موفقیت‌ها، امیرحسین دوسالی است که به عنوان مداح نوجوان در برنامه‌های حرم مطهر رضوی حضور دارد. آخرین اجرای او به چهاردهمین سوگواره «احلی من العسل» در خرداد برمی‌گردد. با این همه، وقتی از آرزویش می‌پرسیم، نه از شهرت حرف می‌زند و نه از دیده شدن. تنها می‌خواهد روزی به عنوان ذاکر اهل بیت (ع) در حرم امام حسین (ع) مداحی کند و خادم این دستگاه بماند.

● چطور شد به مداحی علاقه مندی شدی؟

برادر بزرگ‌ترم، امیرحسین، از کودکی مرا به همراه خودش به هیئت می‌برد. البته خودش هم مداحی را دوست داشت، اما چون درس می‌خواند، آن را به طور جدی دنبال نکرد. وقتی در عزاداری‌ها مداحی‌ها را می‌شنیدم، در خانه برای خودم زمزمه می‌کردم تا اینکه پنج سال قبل، مادرم با مجتمعی آشنا شد که به صورت تخصصی مداحی آموزش می‌داد.





به دنبال گزارش شهرآرامحله، گشت مشترک پلیس راهور و شهرداری در بازار جنت حضور یافت

بازرسی پیاده‌رو از خودروهای مختلف



نجمه موسوی زاده اردیبهشت امسال در گزارشی به مشکل ورود و پارک خودروها در پیاده‌راه بازار جنت پرداختیم؛ بازاری که در آن، فضای برای تردد ایمن عابران وجود ندارد و شهروندان ناچارند مسیر خود را میان خودروها و موتورسیکلت‌های عبوری پیدا کنند. این موضوع بارها اعتراض کسبه و ساکنان را به همراه داشت و آن‌ها خواستار جلوگیری از ورود خودروها به ویژه پارک آن‌ها در انتهای بازار شده بودند.

به دنبال درخواست شهروندان و پیگیری شهرآرامحله، هفته گذشته، گشت مشترک پلیس راهور و نیروهای انضباط شهری شهرداری منطقه ۸ در محدوده پیاده‌راه بازار جنت حضور یافت. ابوالقاسم عابدینی، معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۸، گفت: در گشت مشترک پلیس راهور و نیروهای انضباط شهری، خودروهای متخلف مستقر در پیاده‌راه بازار جنت شناسایی و با آن‌ها برخورد شد. این نظارت‌ها با هدف حفظ ایمنی عابران و جلوگیری از اشغال پیاده‌راه ادامه خواهد داشت.

نصب ۱۲ گل میخ ترافیکی در محله بهشتی، پاسخی به مطالبه ساکنان و پیگیری شهرآرامحله بود

ترمز تصادف در بهشتی ۵۱



نجمه موسوی زاده ۵ خرداد سال گذشته در گزارشی به خطر بروز تصادفات در محدوده معبر بهشتی ۵۱ پرداختیم. در آن گزارش به این موضوع اشاره کردیم که پیش از چهارراه، تنها یک معبر فرعی دارای سرعت گیر است و معبر اصلی که خودروها با سرعت زیاد از آن عبور می‌کنند، فاقد هرگونه مانع یا هشدار بازدارنده است. به گفته ساکنان، همین مسئله این تقاطع را به یکی از نقاط حادثه خیز محله تبدیل کرده بود و هر هفته دست کم یک یا دو تصادف در آن رخ می‌داد.

هفته گذشته با پیگیری شهرآرامحله و اعضای شورای اجتماعی محله شهید بهشتی و با همکاری سیدسعید موسوی بزاز، مسئول امور حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۸، در دو برگردان مقابل معبر بهشتی ۵۱ در ضلع شمالی و جنوبی، در مجموع دوازده عدد گل میخ ترافیکی نصب شد تا ضمن هدایت بهتر خودروها، به کاهش تخلفات و پیشگیری از وقوع حوادث در این نقطه کمک کند.

با پیگیری شهرآرامحله و همکاری اداره عمران شهرداری منطقه ۸ صورت گرفت

پایان نگرانی عابران با مرمت پیاده‌رو



نجمه موسوی زاده یکی از شهروندان محله سرشور از وجود نشست در پیاده‌رو نرسیده به کوچه آخوند خراسانی ۲۳ گلایه کرده و در پیامی به یکی از فعالان فرهنگی این محله نوشته بود: «مدتی است نشست در این قسمت از پیاده‌رو باعث شده است عابران هنگام عبور با مشکل مواجه شوند؛ به طوری که بارها زمین خوردن یا پیچ خوردگی پای عابران در این فرورفتگی پیاده‌رو پیش آمده است.»

شهرآرامحله موضوع را با سبحان ضیائی، رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۸، در میان گذاشت. این درخواست در دستور کار قرار گرفت و عملیات مرمت محل در کمترین زمان انجام شد.

رئیس اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۸ توضیح داد: ایمنی معابر از اولویت‌های ماست. پس از اطلاع از این مشکل، عملیات ترمیم نشست پیاده‌رو انجام شد تا تردد شهروندان در این محدوده بدون دغدغه و با ایمنی بیشتری صورت گیرد.